

تعیین اجزای دانش و مهارت آموزش حسابداری در محیط‌های تجاری جدید با رویکرد مدل‌سازی معادلات ساختاری

حسن دهقان دهنوی*، محمود معین‌الدین**، ندا صبا***

تاریخ دریافت: ۹۰/۰۱/۱۵

تاریخ تصویب: ۹۱/۰۳/۲۷

چکیده

به وجود آمدن تجارت جهانی و گرایش بنگاه‌های اقتصادی به تجارت الکترونیک، به همراه پیشرفت فناوری، عواملی هستند که موجب توسعه مفاهیم و روش‌های حسابداری شده‌اند. این تحولات محیط حسابداری را دگرگون کرده است. اما، مشکل دستیابی به حسابداران ورزیده به دلیل ضعف آموزش حسابداری بیشتر به چشم می‌خورد. از اینرو، هدف اصلی این تحقیق شناسایی دانش و مهارت‌های مورد نیاز برای آموزش حسابداری با توجه به تغییرات محیط تجاری به منظور تطابق نیازهای حرفه و آموزه‌های دانشگاهی است. برای نیل به هدف پژوهش، ۴۳ متغیر مربوط به دانش و مهارت آموزش حسابداری شناسایی و به ۶ مؤلفه تقسیم شد. جامعه آماری این تحقیق شامل شاغلین در حرفه است، که اعضای آن از طریق نمونه‌گیری تصادفی ساده انتخاب شده‌اند. برای آزمون مؤلفه‌ها از تحلیل عاملی اکتشافی و تاییدی استفاده شده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد با توجه به عدم هماهنگی نیازهای جامعه حرفه‌ای حسابداری با آنچه که در دانشگاه آموزش داده می‌شود، بازنگری در برنامه درسی آموزش حسابداری ضرورت دارد.

واژه‌های کلیدی: آموزش حسابداری، دانش و مهارت حسابداری، مدل معادلات ساختاری

طبقه‌بندی موضوعی: M41

* استادیار مدیریت دانشگاه آزاد اسلامی یزد (denavi2000@yahoo.com)

** استادیار حسابداری دانشگاه آزاد اسلامی یزد (mahmoodmoein@yahoo.com)

*** دانشجوی کارشناسی ارشد حسابداری دانشگاه آزاد اسلامی یزد (نویسنده مسئول) (nedasaba88@yahoo.com)

مقدمه

حسابداری در توسعه اقتصادی کشور ها نقش مهمی دارد. نظام های حسابداری اثر بخش به گزارشگری مربوط، قابل اتکا و به موقع می پردازند و به اقتصاد کشور ها در موارد زیر کمک می کنند:

- ۱- استفاده از منابع اقتصادی موجود برای بهبود سطح زندگی .
 - ۲- جلوگیری از هدر رفتن تلاش ها و کاهش ضایعات ، سرقت و سایر زیان های اقتصادی
 - ۳- پاسخ گویی نسبت به درآمد دولت از محل مالیات ها و منابع دیگر.
 - ۴- پاسخ گویی در مقابل سرمایه گذاری های داخلی و بیرونی و جذب سرمایه گذاران.
- بدیهی است دستیابی به موارد پیش گفته مستلزم آموزش صحیح دانشجویان حسابداری است (پور علی ، ۱۳۸۴).
- کوان تسو^۱، فیلسوف چینی می گوید: « اگر به سال آینده می اندیشید، بذر بپاشید، اگر به ده سال آینده فکر می کنید، نهالی نشانید و اگر در اندیشه صد سال آینده هستید، به آموزش و پرورش مردم بپردازید» .

با توجه به تغییرات محیط تجاری از جمله پیشرفت سریع فناوری و جهانی شدن بازار ها، نقش حسابداری کنونی از تهیه اطلاعات مالی به تهیه و تفسیر اطلاعات گوناگون اعم از مالی و غیر مالی برای استفاده کنندگان درون سازمانی و برون سازمانی تغییر یافته است (ساندم^۲، ۱۹۹۲؛ ویلیامز^۳، ۱۹۹۴؛ آلبرشت و ساک^۴، ۲۰۰۰). چنین تغییراتی در محیط تجاری ایجاب می کند که دانش آموختگان رشته حسابداری از دانش و مهارت مورد نیاز برای پاسخگویی به انتظارات در حال تغییر جامعه تجاری برخوردار باشند. از آنجا که هدف اصلی برنامه های آموزش حسابداری، آماده نمودن دانشجویان برای موفقیت در امتحانات و به دست آوردن شرایط لازم برای ورود به حرفه حسابداری است ، در سال های اخیر به منظور تربیت حسابداری که پاسخگوی نیاز های جامعه باشند، پژوهش های متعددی انجام شده است، که بررسی ضرورت و اهمیت اصلاح برنامه آموزش حسابداری یکی از عناوین این پژوهش ها است (آلبرشت و ساک ، ۲۰۰۰؛ چابرو و هبی^۵، ۲۰۰۱؛ فوریتال^۶، ۲۰۰۲؛ بویسی^۷، ۱۹۹۹).

هیئت استاندارد های بین المللی آموزش حسابداری^۸ در استاندارد شماره ۲، "محتوای برنامه های آموزش حسابداری حرفه ای"، تاکید دارد که دانشجویان باید دانش حرفه ای، مهارت های حرفه ای و اخلاقیات و رویه های حرفه ای را کسب کنند و باید بتوانند این عوامل را یکپارچه

سازند و در این راه می‌توان از اعضای حرفه حسابداری نیز برای توسعه مهارت‌های حرفه‌ای استفاده کرد.

دانش اولیه‌ای که باید بخشی از برنامه حسابداری باشد شامل:

۱- حسابداری، امور مالی و معلومات مربوط به آن (حسابداری مالی و گزارشگری، حسابداری مدیریت و کنترل، مالیات، قوانین تجاری و بازرگانی، حسابرسی، مدیریت مالی و مالیه و ارزش‌ها و اخلاق‌های حرفه‌ای).

۲- دانش تجاری و سازمانی (اقتصاد، محیط بازرگانی، نظام راهبری شرکتی، اخلاق تجاری، بازارهای مالی، روش‌های کمی، رفتار سازمانی، تصمیم‌گیری راهبردی و مدیریت، بازار یابی و فعالیت تجارت بین‌المللی).

۳- دانش و توانایی‌های فناوری اطلاعات (دانش کلی فناوری اطلاعات، دانش کنترل فناوری اطلاعات، توانایی کنترل فناوری اطلاعات، صلاحیت کاربرد فناوری اطلاعات و صلاحیت ایفای نقش‌های مدیریت، ارزیابی و طراحی سیستم‌های اطلاعاتی).

مهارت‌هایی که باید توسط افراد حرفه‌ای حسابداری توسعه یابد، در استاندارد بین‌المللی آموزش (شماره ۳) مورد بحث قرار گرفته است که شامل:

۱- مهارت‌های ذهنی (کسب و سازماندهی اطلاعات، تفکرات تحلیلی و انتقادی، حل مشکلات بدون ساختار به‌طور بالقوه).

۲- مهارت‌های فکری و کارکردی (مدل‌سازی تصمیمات و تحلیل ریسک، اندازه‌گیری، گزارشگری مطابق با الزامات قانونی).

۳- مهارت‌های شخصی (مدیریت فردی، انگیزش، تاثیرات و خودآموزی، تخصیص اولویت‌ها، پیش‌بینی و انطباق با تغییرات، کاربرد‌های ارزش‌های حرفه‌ای، اخلاقیات و نگرش‌ها در تصمیم‌گیری).

۴- مهارت‌های اجتماعی و ارتباطی (کار گروهی، مذاکره در مورد راه‌حل‌های قابل قبول، فعالیت اثر بخش در زمینه فرهنگ و اندازه‌گیری چندین بعد ارتباطی).

۵- مهارت‌های مدیریتی سازمانی و بازرگانی (برنامه‌ریزی راهبردی، مدیریت پروژه، مدیریت منابع انسانی، تصمیم‌گیری، سازماندهی و نظم بخشیدن به وظایف، ترغیب و توسعه افراد، رهبری، بصیرت و قضاوت‌های حرفه‌ای) (IFAC, 2010).

در کشور ما نیز با توجه به تغییرات روز افزون محیط تجاری نیاز شدیدی به وجود حسابداران تعلیم یافته و کارآزموده احساس می شود که این امر با روش های سنتی آموزش امکان پذیر نیست، لذا هدف از انجام این تحقیق، شناسایی دانش و مهارت مورد نیاز برای فارغ التحصیلان حسابداری با توجه به مباحث و تغییرات محیط های تجاری جدید و هم چنین تعیین اهمیت و رتبه بندی آن ها از دید شاغلین در حرفه برای موفقیت در آینده شغلی فارغ التحصیلان رشته حسابداری است.

پیشینه پژوهش

در دنیای امروز نقش سرمایه گذاری برای آموزش به عنوان یک عامل اساسی در توسعه فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی مشخص است. کاپلان^۹ (۱۹۸۸) در مقاله ای پیشرفت کند روش ها و مفاهیم حسابداری مدیریت را بررسی و بیان می کند؛ اغلب دانشگاهیان در تحقیقات خود به جای آنکه از مثال های واقعی سازمان ها بهره گیرند، بر مدل های اقتصادی تاکید دارند. این امر موجب ایجاد فاصله بین نظریه و عمل شده است. دینگ^{۱۰} (۲۰۰۰) نیز در تحقیقی به بررسی تغییرات آموزش حسابداری در کشور فرانسه و مقایسه آن با کشور چین پرداخته است. نتایج نشان می دهد، که در مورد نحوه عمل در تغییر آموزش بین دو کشور تفاوت عمده ای به دلیل متفاوت بودن شرایط سیاسی، اقتصادی و ویژگی های فرهنگی وجود دارد. در دوره اخیر، حسابداران امتیاز و احترام اولیه خود در جامعه را از دست داده اند و ضروری است در بازار کلاهبرداری های اخیر، مجدداً آن را به دست آورند. در نتیجه در برنامه آموزشی دانشجویان حسابرسی باید موضوعات مربوط به اخلاق حرفه ای و استانداردهای جدید و کنترل های داخلی مربوط به کلاهبرداری گنجانده شود (نیرون^{۱۱}، ۲۰۰۲). بسیاری از تغییرات انجام شده در آموزش حسابداری به اندازه کافی فراگیر نبوده و بسیاری از تغییرات اشتباه بوده است. برنامه های حسابداری باید به نحوی تغییر کند که دانشجویان مهارت های لازم را برای ورود به حرفه کسب کنند (فرنج^{۱۲}، ۲۰۰۳). لین و همکاران^{۱۳} (۲۰۰۵)، نیز در تحقیقی به بررسی دیدگاه شاغلان در حرفه، استادان دانشگاه و دانشجویان، برای تعیین دانش و مهارت های مورد نیاز برای دانشجویان رشته حسابداری پرداخته اند. نتایج تحقیق نشان می دهد بین دیدگاه گروه های مختلف تفاوت معنی دار وجود دارد و اصلاح برنامه آموزش حسابداری، نه تنها ضروری بلکه الزام آور است. راگوتامن و همکاران^{۱۴} (۲۰۰۷) در تحقیقی به این نتیجه رسیدند که از نظر

شاغلان در حرفه، مهارت‌های ذهنی و از نظر استادان دانشگاه، مهارت‌های ارتباطی، مهارت‌های بین فردی، دانش حسابداری و توانایی رهبری از اولویت برخوردار است. بلیزی و همکاران^{۱۰} (۲۰۰۸) نیز در پژوهشی به این نتیجه رسیدند که شاغلان در حرفه بر مهارت‌های فکری و بین فردی، دانشجویان رشته حسابداری بر مهارت‌های ارتباطی و بین فردی و استادان دانشگاه بر مهارت‌های فکری، خود مدیریتی، ارتباطی و بین فردی تاکید فراوان داشتند. در تحقیقی دیگر، نقش دوره کارآموزی در توسعه مهارت‌های دانشجویان حسابداری بررسی شد، و محقق در آن به این نتیجه رسید که گنجاندن دوره کارآموزی در برنامه درسی دانشگاهی حسابداری می‌تواند سودمند باشد (پایسی^{۱۱}، ۲۰۰۹). ادگارد^{۱۲} (۲۰۱۱) نیز در تحقیقی به این نتیجه رسید که از دید شاغلین در حرفه حسابداری مدیریت، حسابداری مالی و حسابداری مالیاتی، دانش و کار گروهی، تفکر تحلیلی انتقادی و ارتباطات نوشتاری مهم‌ترین مهارت‌هایی هستند که باید در برنامه‌های آموزشی گنجانده شود. مجتهد زاده (۱۳۸۴) بیان می‌کند که دانش تخصصی وابسته باید شامل: اصول مدیریت، قانون تجارت، رایانه، آمار، بازاریابی، اقتصاد و دانش تخصصی حسابداری باید شامل اصول حسابداری، سیستم‌های اطلاعاتی حسابداری و تجزیه و تحلیل صورت‌های مالی باشد. نوروش (۱۳۸۲) مشکل آموزش حسابداری را کمبود نیروی انسانی مورد نیاز، دانشجویان واجد شرایط و محتوای برنامه درسی می‌داند و بیان می‌کند برای دستیابی به برنامه درسی موثر، باید در مسیر فعلی برنامه درسی تغییر بنیادی صورت گیرد. زیودار (۱۳۸۲)، در تحقیقی به این نتیجه می‌رسد که دانشجویان از لحاظ دانش مالیاتی و مهارت‌های استفاده از رایانه و ایجاد ارتباطات نوشتاری در حد ضعیفی هستند، فارغ‌التحصیلان باید این دانش و مهارت‌ها را برای پاسخگویی به نیازهای جامعه فراگیرند در نتیجه در برنامه آموزش حسابداری باید تغییراتی انجام شود. نوروش (۱۳۸۴) بیان می‌کند که راه حل عملی برای پوشش فاصله بین دیدگاه گروه‌های مختلف، درک آن توسط دانشگاهیان و شاغلین در حرفه و سپس تعامل دو گروه یاد شده برای آگاهی از تازه‌های علمی از سوی شاغلین در حرفه و آشنایی با مشکلات موجود در عمل از سوی دانشگاهیان است. رهنمای رود پستی (۱۳۸۸)، در تحقیقی به تعیین اولویت‌های گرایش‌های تخصصی حسابداری پرداخت و به این نتیجه رسید که اساتید دانشگاه گرایش حسابداری مالی، دانشجویان دکتری گرایش حسابداری مدیریت و شاغلین در حرفه گرایش حسابرسی را اولین اولویت در راستای تامین نیازهای جامعه مالی ایران می‌دانند. مجتهد زاده و همکار (۱۳۸۹)، در تحقیقی اهمیت و کفایت دانش و مهارت‌های مورد نیاز برای دانش

آموختگان رشته حسابداری را از دید استادان دانشگاه، شاغلین در حرفه و دانشجویان حسابداری مورد بررسی قرار دادند. نتایج نشان داد، که بین دیدگاه های گروه های مختلف تفاوت معنی داری وجود دارد و آموزش مهارت های تجاری/مدیریتی در برنامه های آموزشی از اولویت بالاتری برخوردار است.

نوع و روش پژوهش

تحقیق حاضر از نظر هدف کاربردی است و از نظر سازو کار اجرا، در زمره تحقیقات اکتشافی - پیمایشی به حساب می آید. به منظور تبیین پیشینه تحقیق و شناسایی متغیر های دانش و مهارت آموزش حسابداری از مقالات علمی و برای جمع آوری اطلاعات از روش میدانی و پرسشنامه در مقیاس ۵ نقطه ای لیکرت استفاده شده است. جامعه آماری تحقیق شامل مدیران مالی ۲۶۷ شرکت بزرگ استان یزد می باشد. اعضای نمونه از طریق نمونه گیری تصادفی ساده انتخاب شده اند که تعداد آن با استفاده از فرمول کوکران ۷۳ نفر تعیین گردید. اطلاعات جمع آوری شده ابتدا با استفاده از نرم افزار SPSS و با روش تحلیل عاملی اکتشافی، تجزیه و تحلیل و عوامل شکل دهنده متغیر های تحقیق شناسایی گردید؛ سپس برای تایید ساختار عاملی شناسایی شده، تحلیل عاملی تاییدی، با استفاده از نرم افزار LISREL 8.5 انجام شد.

متغیر های اصلی مورد بررسی در این تحقیق شامل ۴۳ متغیر دانش و مهارت است که به ۶ مؤلفه زیر طبقه بندی شد. مرجع اصلی شناسایی این متغیر ها پژوهش لین و همکاران (۲۰۰۸) بوده و حسب مورد تعدادی متغیر متناسب با محیط تجاری و اقتصادی ایران به متغیر ها اضافه شده است، تا حتی المقدور اجزای مورد نظر از ویژگی بومی بودن برخوردار باشند. متغیر ها و کدهای به کار رفته برای آن ها به ترتیب زیر است.

مؤلفه اول - دانش مدیریتی / تجاری شامل ۸ متغیر:

قانون تجارت (D5)، سیستم های اطلاعاتی (D9)، تجارت جهانی (D10)، تجارت الکترونیک (D11)، بازاریابی (D13)، راهبرد تجاری (D15)، مدیریت منابع انسانی (D16)، حمل و نقل، و تدارکات و امور گمرکی (D21).

مؤلفه دوم - دانش عمومی شامل ۵ متغیر:

اقتصاد خرد (D12)، اقتصاد کلان (D14)، فناوری اطلاعات (D17)، روش های آماری (D18)، و فروش و خرده فروشی (D19).

مؤلفه سوم - دانش اصلی حسابداری شامل ۷ متغیر:

دانش حسابداری مالی (D₁)، تامین مالی (D₂)، حسابداری مدیریت (D₃)، قوانین مالیاتی (D₄)، خدمات بیمه (D₆)، خدمات حسابرسی (D₇)، و بانکداری (D₂₀).

مؤلفه چهارم - مهارت مدیریتی / تجاری شامل ۱۲ متغیر:

رفتار حرفه ای (S₁)، توانایی تصمیم گیری (S₅)، توانایی تفکر تحلیلی انتقادی (S₆)، توانایی رهبری (S₉)، کارآفرینی (S₁₁)، مدیریت پروژه (S₁₂)، مدل تصمیم تجاری (S₁₃)، توانایی مدیریت منابع سازمانی (S₁₄)، توانایی مذاکره (S₁₅)، مدیریت تغییر (S₁₆)، مشتری مداری (S₁₇)، و فن فروشندگی (S₁₈).

مؤلفه پنجم - مهارت ها و تکنیک های اساسی شامل ۴ متغیر:

روش های محاسباتی (S₂)، زبان خارجه (S₃)، تجزیه و تحلیل اطلاعات (S₁₉)، تجزیه و تحلیل موردی (S₂₀).

مؤلفه ششم - ویژگی های شخصی شامل ۷ متغیر:

اخلاق و مسئولیت پذیری اجتماعی (D₈)، روابط عمومی (S₄)، ارتباطات نوشتاری (S₇)، توانایی کار گروهی (S₈)، ارتباطات کلامی (S₁₀)، توانایی ایفای نقش (S₂₁)، و توانایی انجام وظایف محوله (S₂₂).

پرسش های پژوهش

سوالات این تحقیق به شرح زیر می باشد:

- ۱- عوامل موثر بر آموزش حسابداری با توجه به تغییرات محیط تجاری چیست؟
- ۲- اولویت عوامل مزبور چگونه است؟

تجزیه و تحلیل داده ها

ابتدا آزمون KMO برای کفایت نمونه گیری انجام و برای شناسایی با اهمیت ترین اجزای دانش و مهارت آموزش حسابداری از تحلیل عاملی اکتشافی استفاده گردید؛ سپس با استفاده از تحلیل تاییدی و مقدار شاخص های بدست آمده روابط بین متغیرها تایید شد. نتایج و ساختار عاملی پیشنهادی به شرح زیر است:

نگاره (۱): نتایج آزمون KMO and Bartlett,s	
شاغلین در حرفه	طیف آماری مؤلفه
۰.۸۴۶	دانش مدیریتی / تجاری
۰.۵۱۲	دانش عمومی
۰.۷۵۷	دانش اصلی حسابداری
۰.۸۲۱	مهارت های مدیریتی / تجاری
۰.۶۳۴	مهارت ها و تکنیک های اساسی
۰.۶۳۹	ویژگی های شخصی

سرنی و کیسر^{۱۸} (به نقل از هومن، ۱۳۸۵) معتقدند که مقدار KMO بزرگتر از ۰/۵ برای آزمون KMO قابل قبول است. در نتیجه، تمامی مؤلفه ها دارای کفایت نمونه گیری می باشند.

شاخص های تحلیل عاملی تاییدی

• شاخص GFI^{۱۹}

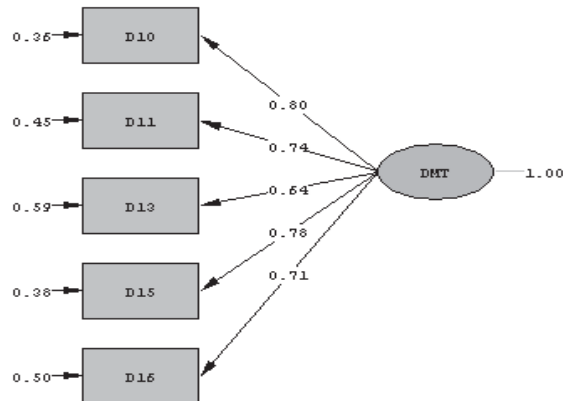
شاخص GFI مقدار نسبی واریانس ها و کوواریانس را به گونه مشترک از طریق مدل ارزیابی می کند. دامنه تغییرات GFI بین صفر و یک می باشد. مقدار GFI باید برابر یا بزرگتر از ۰/۹ باشد تا مدل پذیرفته شود.

• شاخص NFI^{۲۰} و CFI^{۲۱}

شاخص NFI، برای مقادیر بالای ۰/۹ قابل قبول و نشانه برازندگی مدل است. شاخص CFI بزرگتر از ۰/۹ قابل قبول و نشانه برازندگی مدل است. این شاخص از طریق مقایسه یک مدل به اصطلاح مستقل که در آن بین متغیرها هیچ رابطه ای نیست با مدل پیشنهادی مورد نظر، مقدار بهبود را نیز می آزماید. شاخص CFI از لحاظ معنا مانند NFI است با این تفاوت که برای حجم گروه نمونه جریمه می دهد.

• شاخص RMR^{۲۲}

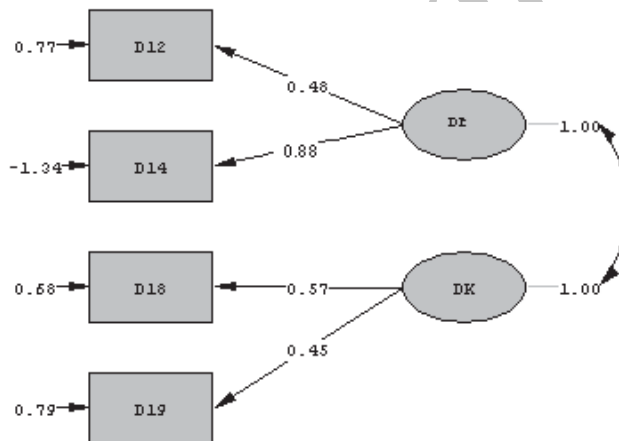
این شاخص، ریشه دوم میانگین مجذورات تفاوت های همبستگی های ضمنی و مشاهده شده است. برای این شاخص که بین صفر و یک در نوسان است، هیچ آزمون معنا داری وجود ندارد؛ لذا تا حد ممکن باید این رقم کوچک باشد (کلاین، ۱۳۸۰).



نمودار (۱): تحلیل عاملی تاییدی دانش مدیریتی/تجاری

نگاره (۲): آماره های برازش مدل تحلیل عاملی تاییدی دانش مدیریتی/تجاری

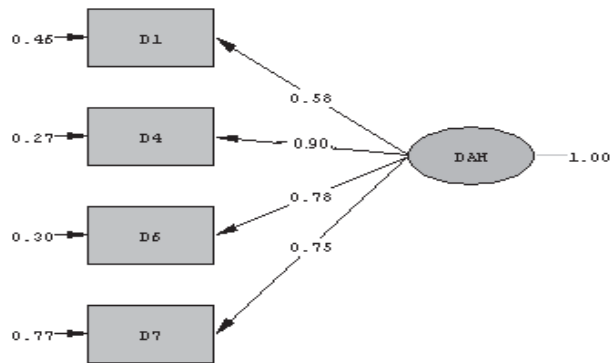
X^2/dx	RMR	CFI	GFI	NFI	دانش مدیریتی / تجاری
۱.۰۱	۰.۰۳۶	۰.۹۷	۰.۹۹	۰.۹۸	



نمودار (۲) - تحلیل عاملی تاییدی دانش عمومی

نگاره (۳): آماره های برازش مدل تحلیل عاملی تاییدی دانش عمومی

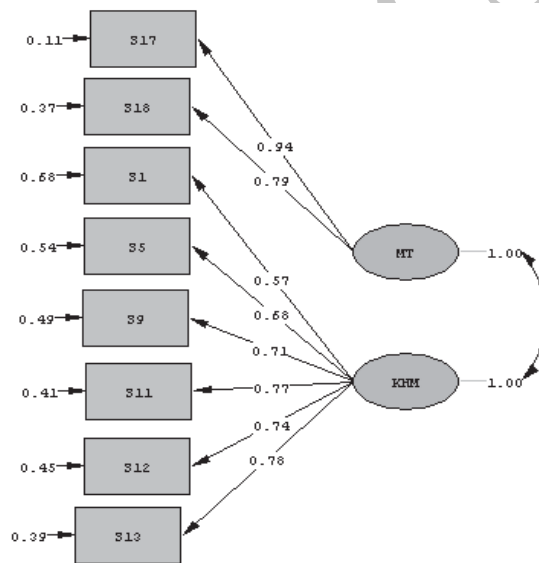
X^2/dx	RMR	CFI	GFI	NFI	دانش عمومی
۱.۶۵	۰.۰۴۵	۰.۹۹	۰.۹۹	۰.۹۸	



نمودار (۳): تحلیل عاملی تاییدی دانش اصلی حسابداری

نگاره (۴): آماره های برازش مدل تحلیل عاملی تاییدی دانش اصلی حسابداری

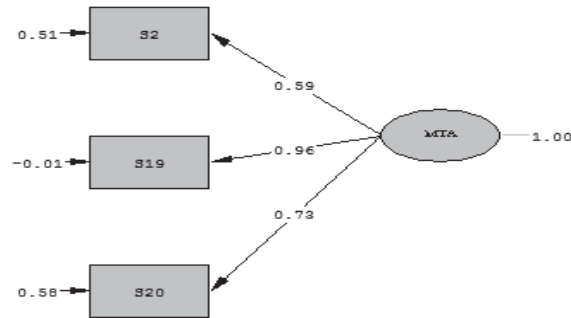
X^2/dx	RMR	CFI	GFI	NFI	دانش اصلی حسابداری
۲.۴۵	۰.۰۵۵	۰.۹۶	۰.۹۵	۰.۹۵	



نمودار (۴) تحلیل عاملی تاییدی مهارت مدیریتی / تجاری

نگاره (۵)- آماره های برازش مدل تحلیل عاملی تاییدی مهارت مدیریتی / تجاری

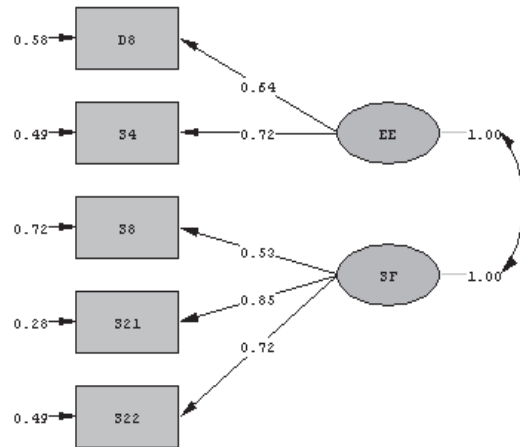
X^2/dx	RMR	CFI	GFI	NFI	مهارت مدیریتی / تجاری
۱.۲۵	۰.۰۵۷	۰.۹۹	۰.۹۲	۰.۹۵	



نمودار (۵): تحلیل عاملی تاییدی مهارت‌ها و تکنیک‌های اساسی

نگاره (۶): آماره‌های برازش مدل تحلیل عاملی تاییدی مهارت‌ها و روش‌های اساسی

X^2/dx	RMR	CFI	GFI	NFI	مهارت‌ها و تکنیک‌های اساسی
۱.۵۷	۰.۰۶۰	۰.۹۴	۰.۹۰	۰.۹۲	



نمودار (۶): تحلیل عاملی تاییدی ویژگی‌های شخصی

نگاره (۷): آماره‌های برازش مدل تحلیل عاملی تاییدی ویژگی‌های شخصی

X^2/dx	RMR	CFI	GFI	NFI	ویژگی‌های شخصی
۱.۵۴	۰.۰۴۴	۰.۹۷	۰.۹۷	۰.۹۳	

نتیجه گیری و پیشنهادات

این تحقیق به بررسی دیدگاه شاغلین در حرفه در مورد اهمیت دانش و مهارت های مورد نیاز برای دانشجویان حسابداری پرداخته است. نتایج تحقیق در زیر ارائه شده است:

نگاره (۸) - خلاصه نتایج حاصل از تحلیل عاملی نسبت به مؤلفه های تحقیق

اولویت مؤلفه	اولویت اول	اولویت دوم	اولویت سوم	اولویت چهارم	اولویت پنجم	اولویت ششم	اولویت هفتم	اولویت هشتم
دانش مدیریت/ تجاری	تجارت جهانی	استراتژی تجاری	تجارت الکترونیک	مدیریت منابع انسانی	بازاریابی			
دانش عمومی	اقتصاد کلان	روشهای آماری	اقتصاد خرد	فروش و خرده فروشی				
دانش اصلی حسابداری	قوانین مالیاتی	خدمات بیمه	خدمات حساسری	حسابداری مالی				
مهارت مدیریت/ تجاری	مشتری مداری	فن فروشندگی	مدل تصمیم تجاری	کارآفرینی	مدیریت پروژه	رهبری	توانایی تصمیم گیری	رفتار حرفه ای
مهارت ها و تکنیکهای اساسی	تجزیه و تحلیل اطلاعات	تجزیه و تحلیل موردی	روش های محاسباتی					
ویژگی های شخصی	توانایی ایفای نقش	توانایی انجام وظایف	روابط عمومی	اخلاق و مسئولیت پذیری	توانایی کار گروهی			

در رابطه با بهبود وضعیت سیستم آموزش موجود و ویژگی های مورد نیاز فارغ التحصیلان حسابداری جهت ورود به حرفه و با توجه به بررسی سوال اصلی تحقیق و تجزیه و تحلیل اطلاعات و بر اساس نتایج حاصل از تحقیق می توان پیشنهادات زیر را ارائه کرد:

۱- با توجه به بررسی ها و عدم هماهنگی بین نیاز جامعه حرفه ای حسابداری با آنچه که در دانشگاه ها آموزش داده می شود، بازنگری در برنامه های آموزش حسابداری ضرورت دارد. از اینرو، به متولیان امر آموزش پیشنهاد می شود در تدوین سر فصل های دروس رشته حسابداری، اولویت های شناسایی شده در این پژوهش در حوزه دانش و مهارت آموزش حسابداری، به ویژه متغیر های تجارت جهانی، اقتصاد کلان، قوانین مالیاتی را در حوزه دانش و مشتری مداری

، تجزیه و تحلیل اطلاعات و توانایی ایفای نقش در حوزه مهارت را مورد توجه خاص قرار دهند.

۲- در بخش شناسایی متغیرها و اولویت های دانش اصلی حسابداری به متولیان تدوین سر فصل دروس دانشگاهی پیشنهاد می شود، توجه بیشتری به دروس مالیاتی ، بیمه و حسابرسی داشته باشند ، زیرا در حال حاضر این موارد در سر فصل دروس رشته حسابداری به اندازه کافی مورد توجه قرار نمی گیرد.

۳- با توجه به اهمیت تقویت مهارت های ویژگی های شخصی ، روش های اساسی و مهارت های مدیریتی/تجاری از دید حسابداران حرفه ای جهت موفقیت در حرفه و نظر به اینکه در حال حاضر این موارد در آموزش های حسابداری کمتر مورد توجه می باشد، به دانشجویان و فارغ التحصیلان حسابداری که متقاضی ورود به بازار کار هستند پیشنهاد می شود به نحو مقتضی نسبت به تقویت این مهارت ها اقدام نمایند.

پی نوشت ها

1. Kwantsu
2. Sundem
3. Williams
4. Albrecht & sack
5. Chabrow & Hayes.
6. Forristal
7. .Boyce
8. International Federation of Accountants (IFAC)
9. Kaplan
10. Ding
11. Nearon
12. French
13. Lin, Xiong & Liu
14. Ragothaman, Lavin & Davis.
15. Blazey, Ashiabor and Penelope.
16. Paisey,
17. Edgard
18. Cerney & Kaiser
19. Goodness of Fit Index .
20. Normed Fit Index
21. Comparative of Fit Index
22. Root Mean square Residuals

منابع

۱. رهنمای رودپشتی، فریدون و وکیلی فرد، حمید رضا. (۱۳۸۸). «تعیین اولویت‌ها و نیازهای آموزشی محتوای دروس حسابداری از دیدگاه دانشجویان، اساتید دانشگاه، شاغلین در حرفه و ارایه الگویی مؤثر»، *تحقیقات حسابداری*، سال اول، شماره چهارم، ص ۷۸-۹۷
۲. زیودار، زهره. (۱۳۸۲). «اهمیت حوزه‌های انتخابی دانش، مهارت‌ها و میزان آموزش دانشگاهی برای ورود به حرفه حسابداری»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهرا
۳. کلاین، پل. (۱۳۸۰). *راهنمای آسان تحلیل عاملی*، ترجمه صدر السادات، جلال و مینایی، اصغر سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، تهران
۴. مجتهد زاده، ویدا و همکاران. (۱۳۸۹). «دانش و مهارت‌های مورد نیاز برای دانش‌آموختگان مقطع کارشناسی حسابداری، دیدگاه استادان دانشگاه، شاغلان در حرفه و دانشجویان حسابداری»، *دانش حسابداری*، سال اول، شماره ۱، ص ۷۳-۸۷
۵. نوروش، ایرج. (۱۳۸۲). «بررسی فرآیند تغییر برنامه درسی و پیشنهاد برنامه درسی نوسازی شده برای دوره کارشناسی رشته‌های حسابداری»، *فصلنامه بررسی‌های حسابداری و حسابداری*، سال دهم، شماره ۳۲، ص ۲۱-۴۲
۶. نوروش، ایرج و مشایخی، بیتا. (۱۳۸۴). «نیازها و اولویت‌های آموزش حسابداری مدیریت، فاصله ادراکی بین دانشگاهیان و شاغلین در حرفه حسابداری»، *بررسی‌های حسابداری و حسابداری*، سال دوازدهم، شماره ۴۱، ص ۱۳۳-۱۶۱
۷. هومن، حیدر علی. (۱۳۸۴). *مدل‌یابی معادلات ساختاری با کاربرد نرم افزار لیزرل*، انتشارات سمت، تهران
8. Albrecht, W. and R. Sack. (2000). «Accounting Education : Charting the course through a perilous future», *Accounting Education Series 16*, Sara sota, 2L : American Accounting Association
9. Blazey, P., Ashiabor H. and J. Penelope. (2008). «Stakeholder Expectation for Generic Skills in Accounting Graduates, Curriculum Mapping and Implications For Change», Electronic copy available at : <http://ssrn.com/abstract=1123784>
10. Boyce, G. (1999). «Computer – assisted Teaching and Learning in Accounting pedagogy or product», *Journal of Accounting Education*, vol. 17 (1-2), pp : 191-199

11. Chabrow , E , and M . Hayes . (2001) .«changes in Accounting Education In formation week» , <http://www.Informationweek.com/story/Iwk20010164S0024>
12. Ding , Yuan . (2000) .«Accounting Education in France and its Comparison with Chinese one», www.ideas.repec.org/p/ebg/heccah/0713.html
13. Edgard . B . (2011). «How Relevant Do Accountants Consider Knowledge , skills and Instructional Methods Acquired During College and Required by the profession? A Cross – Country Analysis.»
14. Forristal , T . (2002). «CAP Forum : The Future of Accounting Education : The Response of chartered Accountant» , *Canadian Accounting perspectives* , vol , 1 (1) , pp : 20-22
15. French, G . R . .(2003). «A strategic Model for Accounting Education» , *Journal of Applied Business Research* , 10 (2) , 107-114
16. International federation of Accounts (IFAC) .(2010) .Hand book of International Education pronouncements 2010 Edition , New york , Retrieved Dec , 27 , 2010 from <http://www.ifac.org>
17. Kaplan and cooper . (1988). «Measure costs right : Make the right decisions», *Harvard Business Review*, 11 , (2)
18. Lin , Z . L , X . Xiong , and M . Liu . (2005). « Knowledge Base and Skill Development in Accounting Education : Evidence from china», *Journal of Accounting Education* , Vol . 23 , pp : 149-169
19. Lin , Z . L . (2008) .«A factor Analysis on knowledge and skills Accounting , in corporating» , *Advances in International Accounting* , vol . 24 , pp : 110-118
20. Nearon , B . (2002) . «A professional argues for higher education standards», *The CPA Journal* , 73 (1) , 17-22
21. Paisey , C . (2009) . «Developing skills via work placements in Accounting : Student and Employer views» , *Accounting Forum* , In press , corrected proof, Available online 11 July 2009
22. Regothaman , S . , A . Lavin , and T . Davies . (2007) . «Perceptions of Accounting practitioners and Educators on E-business Curriculum and web security Issues» , *College Student Journal* , Vol . 41 , Iss . 1 , pp : 59-69
23. Sundem ,G. L .(1992). *Changes in Accounting Education in the united states: The Impact of the Accounting Education change In a Anyanentow*, (ED) International hand book of accounting education and certification New York: pergamon press
24. Williams ,D.Z.(1994) .*Strategies for change in Accounting Education: The Us Experience In J.O . Burns and B . E . Needles* , (Eds) , Accounting education for the 21st century , vol.12, pp:207-21